



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)



<http://dx.doi.org/10.22067/PG.2021.67120.0>

پژوهشی

بررسی پیامدهای عملکرد دولت نهم و دهم در زمینه سیاست‌گذاری توسعه اقتصادی در ایران؛ مطالعه موردی،

استان خوزستان

احمد ساعی (دانشیار علوم سیاسی، واحد علوم تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. نویسنده مسئول)

saie@ut.ac.ir

سید عبدالرحیم احمدی (دانشجوی دکتری علوم سیاسی/سیاست‌گذاری عمومی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران).

st-ar-ahmadi@azad.ac.ir

مسعود مطلبی (استادیار علوم سیاسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر ایران).

m.mtph2006@yahoo.com

رضا کاویانی (استادیار علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران ایران).

r-kavyani@Azad.ac.ir

چکیده

شرایط نسبتاً خوب و مناسب ژئواکونومیک، منابع فراوان نفت و گاز و مزیت‌های نسبی بالفعل و بالقوه فراوان استان خوزستان، ایجاب می‌کند این استان به یکی از توسعه‌یافته‌ترین مناطق کشور تبدیل شود، اما این مهم تاکنون محقق نشده است. تحقیق پیش رو سعی دارد موضوع را واکاوی نماید. اگرچه مؤلفه‌ها و عوامل مختلفی می‌توانند در توسعه‌نیافتگی این منطقه، دخیل و تأثیرگذار باشند، اما فرضیه مقاله، سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌های نادرست نخبگان و استمرار ساخت دولت رانتیر از علل مهم توسعه‌نیافتگی استان برشمرده و بر آن تأکید می‌کند. هدف این پژوهش، تحلیل، تبیین و واکاوی پیامدهای سیاست‌گذاری توسعه اقتصادی دولت نهم و دهم در استان خوزستان است. سیاست‌های اقتصادی دولت مشارالیه به دلایلی چون عدم توجه به الزامات عقلانیت عملی و اقتصادی و توجه بیش‌ازاندازه به الزامات عقلانیت سیاسی، متفاوت از آنچه وعده داده شد و انتظار می‌رفت، عملیاتی شده است. یافته‌های تحقیق، نشان می‌دهد بر اثر سیاست‌گذاری دولت یادشده، بیش از پنجاه درصد از مراکز و واحدهای مهم صنعتی و تولیدی استان خوزستان دچار چالش‌های جدی و اساسی مانند؛ رکود، تعطیلی و یا توقف اجباری در روند تولید گردیدند. چالش‌های مذکور، موجب تنزل شاخص‌های توسعه و به دنبال آن، باعث بروز ناهنجاری‌های اجتماعی و تضییع سرمایه‌ها و حقوق بین‌نسلی شدند. روش تحقیق، ترکیبی از نوع توصیفی-تحلیلی با استفاده از تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری‌شده به روش کتابخانه‌ای و پیمایشی از نوع ارائه پرسشنامه و مصاحبه حضوری است.

واژگان کلیدی: دولت رانتیر، سیاست‌گذاری، سیاست‌های توزیعی، تحریم‌ها، توسعه اقتصادی، استان خوزستان

مقدمه

در مجموعه سیاست‌گذاری‌های اقتدار عمومی، سیاست‌های اقتصادی به‌عنوان متغیری مستقل و اثرگذار، حائز اهمیت فراوان است به این جهت که هر سیاست‌گذاری توسعه اقتصادی می‌تواند بر متغیرهایی نظیر شاخص‌های درآمد سرانه، برابری قدرت خرید، تورم و رکود، اشتغال و بیکاری، کسب‌وکار، فقر و محرومیت و شاخص توسعه انسانی، اثر مستقیم بگذارد. بهبود شاخص‌های توسعه اقتصادی ارتباط تنگاتنگی با سیاست‌های اقتصادی دولت و نشان از عملکرد مثبت آن دارد. لذا برای سنجش و ارزیابی میزان موفقیت یا عدم موفقیت دولت در این حوزه، نیازمند نگاهی واقع‌بینانه هستیم، نگاهی که در سایه پاتولوژی سیاست‌گذاری‌ها تحصیل خواهد شد. پیر مولر، سیاست‌گذاری عمومی را تجلی اراده حکومت در عرصه عمل (خودداری از عمل) می‌داند. از جمله عرصه‌های مهم سیاست‌گذاری عمومی، عرصه اقتصاد هست، چراکه اقتصاد یکی از مؤلفه‌های اصلی توسعه پایدار و شالوده‌قسمت اعظم پویای دولت و آحاد جامعه است. لذا ضروری است هم‌زمان با سیاست‌گذاری در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، عرصه اقتصاد مورد توجه ویژه سیاست‌گذاران قرار گیرد. چراکه افزایش رفاه، امنیت و آسایش، ارتباط تنگاتنگی با سیاست‌گذاری، تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی سیاست‌گذاران در فرآیند توسعه اقتصادی دارد؛ زیرا بقا و پیشرفت هر جامعه، در گرو سیاست‌گذاری عمومی مناسب نخبگان آن جامعه است. با توجه به سیکل سیاست‌گذاری مورد نظر جونز که شامل شناخت مشکل (درک مسئله)، ارائه راه‌حل، تصمیم‌گیری، اجرا و ارزیابی هست، سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری زمانی ثمربخش است که نخبگان بر مشکلات موجود در جامعه هدف، اشراف و از آن‌ها اطلاع کافی داشته باشند. چراکه می‌بایست برای تعیین کارایی یا عدم کارایی سیاست‌گذاری‌ها، سیاست‌ها مورد ارزیابی و آسیب‌شناسی قرار گیرند تا در صورت عدم کارایی، سیاست‌ها مورد تجدیدنظر و در صورت کارایی، سیاست‌ها تداوم یابند. در غیر این صورت، نتیجه‌ای جز تضییع زمان، منابع، امکانات و فرصت‌ها، حاصل نخواهد شد. این نکته مهم را باید در نظر گرفت که منابع و امکانات، کمیاب و محدود می‌باشند. فرصت‌ها نیز به‌آسانی به دست نمی‌آیند و یا ممکن است هرگز تکرار نشوند.

بیان مسئله

اصولاً دولت در ایران، به دلایل گوناگون مانند؛ وابستگی به رانت حاصل از فروش منابع، پیگیری اهداف بلند پروازانه با رویکردی برابری خواهانه، اجرای سیاست‌های توزیعی از نوع پوپولیستی، ناتوانی در مدیریت منابع، عدم تناسب بین اهداف و روش‌ها و عدم توانایی استخراج منابع از درون جامعه، در پیشبرد اهداف توسعه، ناتوان است. نظام جمهوری اسلامی ایران چندین برنامه کوتاه‌مدت در قالب برنامه‌های پنج‌ساله و بلندمدت نظیر سند چشم‌انداز بیست‌ساله توسعه را در متن خود، تجربه و ذخیره نموده است. با توجه به ماهیت انقلاب اسلامی و دولت‌های برآمده از آن‌که بیشتر بر گسترش عدالت و رفع فقر و محرومیت تأکید فراوان دارند، سیاست‌های اقتصادی نیز به لحاظ اتخاذ و تدوین، در چارچوب ارزش‌های مورد قبول جامعه و نخبگان و در راستای قانون اساسی شکل گرفته‌اند؛ اما در عرصه عمل، با عدم کارایی بسیاری از آن‌ها مواجه هستیم. با توجه به برخورداری استان خوزستان از ظرفیت‌ها، قابلیت‌ها، منابع و امکانات بالقوه و بالفعل فراوان، این منطقه به لحاظ توسعه‌یافتگی در جایگاه مناسبی قرار ندارد و از نظر بهینگی شاخص‌های توسعه، در سطح مطلوبی نیست. این استان کماکان جزو

مناطق محروم به شمار می‌رود و همچنان شاهد توسعه‌نیافتگی است و از این معضل رنج می‌برد. طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱، قیمت جهانی نفت به‌طور چشم‌گیر و کم‌سابقه‌ای افزایش یافت. دولت نهم و دهم درآمد سرشاری از راه فروش نفت و واگذاری شرکت‌های دولتی (خصوصی‌سازی)، کسب نمود. فرصت مناسبی که می‌توانست توسعه همه‌جانبه‌ای را برای کشور به ارمغان بیاورد؛ اما این مهم اتفاق نیفتاد. بدیهی است، از دست رفتن فرصت مذکور، تبعات منفی زیادی از خود بر جای گذاشت. برای تبیین این مسئله می‌بایست علت یا علل را شناسایی کرد و به دنبال راه‌حل گشت. به نظر می‌رسد، آسیب‌ها و اشکالاتی در فرایند سیاست‌گذاری توسعه اقتصادی دولت یادشده، نهفته است که نیاز به ارزیابی موشکافانه دارند. آسیب‌ها و نارسایی‌های مذکور حوزه‌های قانونی، سیاسی، اقتصادی و اجرایی را در بر گرفته و ناکارآمدی‌هایی در عملکرد دولت در عرصه‌های مختلف، به دنبال داشت. هدف نهایی این تحقیق، بازشناساندن این آسیب‌ها و بررسی تأثیر آن‌ها بر توسعه‌نیافتگی کشور، علی‌الخصوص استان خوزستان است. لذا توسعه‌نیافتگی استان خوزستان، انگیزه‌ای شد تا مقاله حاضر به رشته تحریر درآید. بنا بر موضوع مقاله، ابتدا به طرح پرسش و ارائه فرضیه‌ها خواهیم پرداخت. سپس برای تحلیل علل ناکارآمدی دولت موردمطالعه، از نظریه تصمیم‌گیری که از ارکان اصلی و مهم سیاست‌گذاری عمومی محسوب می‌شود، بهره‌جسته و برای تبیین مسئله نیز از مدل رضایت‌بخش استفاده خواهیم کرد.

طرح سؤال و فرضیه‌های تحقیق

سؤال: با توجه به درآمدهای کم‌سابقه دولت نهم و دهم، همچنین با توجه به منابع و امکانات بالفعل و بالقوه موجود در کشور ج.ا.ایران، علی‌الخصوص استان خوزستان، چرا دولت یادشده نتوانست شاخص‌های توسعه را بهبود بخشد؟

در راستای پاسخ به این پرسش، فرضیه‌هایی بدین شرح مطرح و طی تحقیق مورد آزمون قرار گرفتند.

فرضیه اول: به نظر می‌رسد رابطه معنادار و ارتباط تنگاتنگی فی‌مابین استمرار ساخت رانتیر دولت (وابستگی به درآمدهای حاصل از فروش نفت) و توسعه‌نیافتگی کشور، وجود دارد. این مسئله به‌عنوان پاشنه آشیل دولت‌ها در نیل به اهداف توسعه به شمار می‌آید.

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد بین میزان و نحوه عملکرد دولت در بهبود شاخص‌های؛ برابری قدرت خرید، توسعه، توسعه انسانی، تورم، بیکاری، رکود، درآمد سرانه، مبارزه با فساد (شاخص شفافیت) و نحوه عقلانیت دولت، رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد.

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد عدم مدیریت مناسب در هزینه کرد درآمدها (سوء مدیریت مالی)، نبود ساختار مناسب اقتصادی، وجود بی‌نظمی و بی‌انضباطی‌های مالی گسترده و شیوه مدیریت (غیراصولی) در مراکز تولیدی-صنعتی استان خوزستان، از عوامل مهم و اثرگذار بر ناکارآمدی سیاست‌گذاری‌های اقتصادی دولت، در این منطقه باشد.

فرضیه چهارم: به نظر می‌رسد عواملی همچون عدم اتخاذ اهداف متناسب با روش‌های برون‌رفت از اقتصاد نفتی و نوع هزینه کرد درآمدهای حاصل از فروش نفت، چالش‌هایی هستند که فراروی اقتصاد کشور و سیاست‌گذاری دولت نهم و دهم، قرار گرفته‌اند. لذا می‌توان بخشی از توسعه‌نیافتگی را بر اساس آن‌ها تبیین کرد.

فرضیه پنجم: به نظر می‌رسد می‌توان از راه اتخاذ استراتژی‌ها و سناریوهای اقتصاد غیرنفتی، وابستگی به درآمدهای نفتی را به میزان فراوانی کاهش داد و اقتصاد کشور را رونق بخشید.

فرضیه ششم: در عصر جهانی شدن اقتصاد، می‌توان از راه تعامل هوشمندانه و فعالانه با نظام نوین اقتصاد جهانی، به جذب تکنولوژی و سرمایه‌گذاری خارجی اقدام نمود و از طریق تولید کالاهای مشارکتی، به نظام مذکور راه یافت و نسبت به بازسازی صنایع و احیاء اقتصاد کشور گام‌های مؤثر و بلندتری برداشت.

روش اجرای تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، تلفیقی از نوع توصیفی - تحلیلی و تحقیقات میدانی است. گام آغازین، به توصیف مبانی نظری پژوهش با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای اختصاص یافته است. گام دوم، تحقیقات میدانی را دربرمی‌گیرد. در تحقیقات میدانی، محقق پس از طراحی، تهیه و توزیع پرسشنامه ساخت مند، اقدام به انجام مصاحبه حضوری نموده است. جامعه تحقیق متشکل از تعداد شانزده نفر از مدیران ارشد و ششصد نفر از کارمندان و کارگران شش واحد از مراکز و بنگاه‌های مهم صنعتی - تولیدی استان خوزستان، به شرح زیر هست: ۱- شرکت شهرک‌های صنعتی استان خوزستان ۲- شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه ۳- شرکت کشت و صنعت نیشکر کارون ۴- شرکت گروه صنایع کاغذ پارس ۵- شرکت قند شوش - دزفول ۶- شرکت شیر پگاه خوزستان (شوش). پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها و فایل‌های مصاحبه‌ها، اطلاعات و داده‌های خام به دست آمده با استفاده از نرم‌افزار ایموس، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در نهایت، نتایج به صورت جداول و نمودارها ارائه گردید.

رهیافت نظری تحقیق

۱- مفاهیم مربوط به سیاست‌گذاری عمومی، تصمیم‌گیری و دولت رانتیر

۱-۱- سیاست‌گذاری عمومی (مفاهیم، فرآیندها، رویکردها)

سیاست‌گذاری واژه‌ای است که با حکومت، دولت، جامعه و مسائل عمومی آن گره خورده و تداعی‌کننده اقدام دولت در اداره صحیح امور عمومی است معنا (Gholipour & Gholampour Ahangar, 2010: 23)؛ و مفهوم سیاست‌گذاری عمومی، شامل آگاهی هوشمندانه در زمینه انتخاب میان راه‌های جایگزین برای اداره امور جوامع است سیاست متضمن استدلال‌های عقلایی در جهت فهم یک مسئله و راه‌حل آن است. ارائه سیاست به‌طور معمول از سوی نخبگان فکری صورت می‌گیرد؛ اما چون این امر از سوی نخبگان سیاسی و ابزاری جامعه که برخوردار از قدرت هستند صورت می‌پذیرد، از آنجاکه سیاست‌های مزبور جنبه عملیاتی و اجرایی پیدا می‌کند، سیاست به سیاست‌گذاری تبدیل می‌شود (Alvani & Sharifzadeh, 2015: 9). معمولاً رفع مشکلات عمومی جامعه مربوط به دولت‌ها و در حیطه وظایف آنهاست. به همین خاطر سیاست‌گذاری عمومی دارای مرجعیت کلان است که از آن به‌عنوان دولت نام‌برده می‌شود (Piermoler, 1999: 10). شود. سیاست‌گذاری عمومی فرایندی است که معطوف به ترکیب دانایی و عمل است. تعریف و تشخیص مسئله بخش مهمی از سیاست‌گذاری محسوب می‌شود که زمینه‌های حل یا عدم حل مسئله را فراهم می‌سازد. مسائل درگرو ادراکات هستند و ادراکات نیز تابع ارزش‌ها، اعتقادات و

مشاهده‌های نخبگان است با توجه به این نکته که مسائل در محیط متلاطم، غیرثابت و غیرقابل پیش‌بینی صورت می‌گیرد، شناخت محیط، همسو با تشخیص مناسب مسئله از عوامل تعیین‌کننده و مؤثر در کیفیت سیاست‌گذاری‌ها محسوب می‌شود (Gharib, 2011: 32). حسن شناخت نیز به کیفیت و نوع عقلانیت نخبگان بازگشت دارد. سیاست‌گذاری عقلانی، مبتنی بر کسب بیشترین و بهترین نتیجه با کمترین هزینه است. در حقیقت انواع ادراکات نخبگان، انواع سیاست‌گذاری‌ها را رقم می‌زند و انواع سیاست‌گذاری‌ها نیز نتایج و آثار مختلفی در جامعه از خود بر جای می‌گذارد (Gharib, 2011: 54). سیاست‌گذاری عمومی دارای ویژگی‌هایی است؛ که عبارت‌اند از: حل مسئله، چند رشته‌ای بودن و به‌شدت هنجاری. حل مسئله، از اصلی‌ترین ویژگی سیاست‌گذاری عمومی است (Lasswell, 1951: 14-19). راه‌حل‌یابی سیاست‌گذاری، موجب پیوند بین علوم سیاسی و مسائل واقعی جامعه (ملی و بین‌المللی) می‌شود (Gharib, 2011: 33). سیاست‌گذاری عمومی رشته‌ای است که با واقعیت‌های عینی جامعه سروکار دارد؛ بنابراین نمی‌تواند اقدام به‌کلی‌گویی و ابهام‌گویی نمود و مسائل و مشکلات جامعه را حل‌نشده باقی‌گذارد. سیاست‌گذاری عمومی ریشه در چند علم مختلف از پیش موجود از جمله اقتصاد، علوم سیاسی، مدیریت دولتی، علوم اجتماعی و ... دارد. این علم می‌کوشد برای فهم و وقایع و اتفاقات موجود و یا اتفاقات و رخدادهایی که در آینده و حتی در گذشته اتفاق افتاده و حادث شده‌اند را با کمک گرفتن از علوم دیگر به‌طور دقیق و به‌صورت ژرف و عمیق بررسی نماید (Gharib, 2011: 34). همچنین با شناخت علمی جنبه‌هایی از کیفیت دخالت دولت در امور عمومی و جنبه‌های آن را مشخص نماید. این علم تلاش دارد در راستای کمک گرفتن از دیگر علوم، نوع رابطه حکومت و مردم را بازشناسد. هنجارها، مسائل مختلفی را در جامعه ایجاد می‌کنند که غالباً راه‌حل آن‌ها نیز باید هنجاری باشد و از طرفی دیگر، سیاست‌گذاری‌ها، هنجارهای جامعه هستند و این ویژگی، بر انتخاب روش، ابزار، تکنیک‌ها و سازوکارها، تأثیر تعیین‌کننده‌ای دارد. لاسول معتقد است این ویژگی‌ها، تنوع مسائل و نیازهای جامعه، گستردگی وظایف دولت و حتی تغییر نقش دولت، این شاخه علمی را مجبور می‌سازد که با پیوند و ارتباط نزدیک با تخصص‌های دیگر، سه رکن اساسی سیاست‌گذاری یعنی مرجعیت، واسطه‌گری و چرخه سیاست‌گذاری را پشتیبانی نماید. وی معتقد است با استفاده از علوم ارتباطات و علوم رفتاری و علوم اجتماعی خصوصاً روانشناسی می‌توان مسائل و نیازهای جامعه را تشخیص داده، برای چاره‌جویی نسبت به آن‌ها تصمیم‌گیری نمود و حتی جهت دریافت اطلاعات موردنیاز از این محدوده علمی نیز فراتر رفت (Daneshfard, 2016: 34). سیاست‌گذاری دارای انواع مختلفی است. سیاست‌گذاری ممکن است ذهنی گرا باشد. این نوع سیاست‌گذاری، نامناسب‌ترین سیاست‌گذاری محسوب می‌شود. این نوع از سیاست‌گذاری‌ها، غیردقیق و توأم با روش‌های ناشناخته و ناقص هستند. علت اصلی وضعیت مذکور به کیفیت شناخت مسائل نزد نخبگان سیاسی بازگشت دارد که دارای ابهام‌هایی اساسی نسبت به مسائل هستند. ابهام‌های مربوط موجب می‌شود که سیاست‌گذاری در مرحله هدف‌گذاری متوقف شود و به فرایندهای سیاست‌گذاری ورود پیدا نکرده و از این‌رو دارای قابلیت‌های عملی و اجرایی نباشد. همچنین، سیاست‌گذاری ممکن است آرمان‌گرایانه باشد. این نوع سیاست‌گذاری برای تحقق یک آرمان مطرح می‌شود و در پی دستیابی به هدف آرمانی یا ارزشی است. در این نوع سیاست‌گذاری، سیاست‌گذاران به بیان اهداف کلی اکتفا کرده و تصور می‌کنند که آن اهداف به‌خودی‌خود، سیاست هستند، حال‌آنکه سیاست‌گذاری‌ها باید توأم با

ارزشمندی، روشمندی و تعیین خط‌مشی‌های عینی و جزئی باشند. هرگاه سیاست‌گذاری، همراه با لوازم عینی تحقق اهداف نباشد، موجب کلی‌گویی سیاست‌گذاران و ایجاد ابهام در نظر آحاد جامعه می‌شود. در تحلیل نهایی باید گفت، سیاست‌گذاری‌های آرمان‌گرایانه و ذهنی‌گرایانه در مرحله هدف‌گذاری متوقف می‌شوند و به فرایندهای سیاست‌گذاری، ورود جدی و اساسی پیدا نمی‌کنند و به دلیل عدم تبیین روشمندی‌ها، دارای ابهام‌های فراوان هستند. بهترین نوع سیاست‌گذاری، سیاست‌گذاری واقع‌گرایانه است. این نوع سیاست‌گذاری، در پی حل مسئله و همچنین؛ جزئی‌نگر، چندبعدی و چندجانبه نگر است. حل مسئله طلب می‌کند که به جنبه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی مسائل توجه شود. همچنین، شمار فراوانی از عوامل مربوط را که در تصمیم‌گیری‌ها مؤثر هستند، مدنظر قرار دهد و به موازات هدف‌گذاری‌ها، نسبت به تدوین شیوه‌ها و روش‌های اجرایی اقدام می‌شود (Gharib, 2011: 36). رویکردهای مختلف نسبت به سیاست‌گذاری، نتایج متفاوتی به دست می‌دهد. رویکرد منفعلانه مبنی بر نبود امکان طراحی و اجرای برنامه‌های جدید همچنین، فقدان بهره‌گیری از فرصت‌های موجود است. در این رویکرد، عقلانیت دچار کاستی‌ها و چالش‌های اساسی کارکردی است. صاحبان این رویکرد، نه تنها توانایی خلق فرصت یا فرصت‌سازی نوین را ندارند، بلکه در بهره‌گیری از فرصت‌های موجود و تجارب سایرین نیز ناتوان‌اند. دلیل این امر، ناتوانی صاحبان این رویکرد در شناسایی قابلیت‌های درونی جامعه و همچنین فقدان توان ایجاد رابطه و تناسب سازی بین اهداف و روش‌ها بازگشت دارد. جوامعی که تحت رویکرد منفعلانه اداره می‌شوند، علی‌رغم برخورداری از مزیت‌های مختلف (اعم از انسانی، طبیعی و...)، فاقد بهره‌گیری مناسب از آن‌ها هستند (Gharib, 2011: 36) این قبیل جوامع، در قالب کشورهای ضعیف و دارای اقتصاد سنتی قرار می‌گیرند. آن‌ها در رقابت‌های بین‌المللی، دارای وضعیت شکننده و بحرانی بوده و همواره به سمت حاشیه رانده می‌شوند (Castells, volume I, 2001; 147-127)؛ اما در رویکرد بهره‌بردارانه، هرچند نخبگان در خلق فرصت یا فرصت‌های جدید و نوین ناتوان‌اند، اما در بهره‌گیری از فرصت‌های موجود که حاصل تجارب دیگران هستند، دارای مهارت و توانایی مناسبی می‌باشند. کشورهای دارای این رویکرد، با بهره‌گیری از اطلاعات موجود و کسب تجارب و مهارت‌های موردنیاز به تواناسازی‌های مناسب برای بهره‌گیری از فرصت‌های موجود و کسب ثروت نسبی دست‌یافته‌اند. این کشورها از کشورهای حاشیه‌نشین فاصله گرفته و در سلسله‌مراتب نظام و ساختار قدرت جهانی، در قلمرو کشورهای متن قرار گرفته و در پی تثبیت یا ارتقا موقعیت خود هستند (Castells, Volume I; 2001: 215). در این میان رویکرد دیگری وجود دارد که همراه با خلاقیت است و از آن به‌عنوان رویکرد خلاقانه یاد می‌شود. عنصر خلاقیت و قدرت انطباق‌پذیری با تحولات محیطی، از ارکان مهم سیاست‌گذاری عقلانی محسوب می‌شود. خلاقیت به قدرت ایجاد اندیشه‌های نو و نوآوری به معنای کاربردی ساختن آن افکار نو است (koontz, 1990: 308). به‌طور معمول، فکر، اندیشه نو و خلاق، حاصل ترکیب عناصر و اجزای موجود، به ترتیب و آرایشی متفاوت و جدید است که رویکرد خلاقانه به دست می‌دهد (Richards, 1982: 55) در این رویکرد عامل اساسی یعنی عقل برتر موجب ایجاد خلاقیت و نوآوری، دقت در انتخاب راه‌های مقرون‌به‌صرفه‌تر، تأمل و تجربه و آزمایش مستمر در اموری است که نیازمند هزینه و زمان هستند. اثربخشی این رویکرد موجب افزایش ضریب کیفیت کارکردهای نهادی می‌شود و در پی آن، در وضعیت زندگی آحاد جامعه، بهبود کیفی و تحول اساسی ایجاد می‌شود. در رویکرد خلاقانه به سبب توانایی بسیار بالایی که نسبت به ایجاد رابطه بین اهداف و روش‌ها بر اساس

خلاقیت و دانش و فناوری نوین وجود دارد، نیل به قله‌های توانایی و اقتدار میسر می‌شود. جوامعی که تحت رهبری این رویکرد اداره می‌شوند دارای توسعه پایدار در عرصه‌های علمی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی هستند و دارای نظام سیاسی پایدار، مقتدر و همچنین دارای قدرت رقابت و چانه‌زنی فراوان در عرصه نظام و ساختار روابط بین‌الملل می‌باشند (Gharib;2011: 104-105). سیاست‌گذاری بر اساس چنین رویکردی، موجب تضمین و تأمین رفاه، امنیت، آسایش، بقا و پیشرفت خواهد بود.

۲-۱- سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری

سیاست‌گذاری عمومی عرضه‌کننده الگویی تحلیلی - راهبردی در امر تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری است (Colebatch,2002:26). سیاست‌گذاری، تلاش آگاهانه و هدفمندی است که جوهره فرآیند آن، مبتنی بر انتخاب و تصمیم‌گیری است (Allisons,1991:69). مطلوبیت سیاست‌گذاری ارتباط تنگاتنگی با فرآیند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی و رویکردهای آن دارد؛ زیرا با نداشتن سیاست‌گذاری مطلوب و مناسب، راه‌حل‌های منطقی برای رفع مسائل و مشکلات ارائه نخواهد شد. مشکلات نیز در بستر زمان تداوم‌یافته و به تدریج بر پیچیدگی آن‌ها افزوده خواهد شد. این مسئله، باعث کاهش ضریب رضایت عمومی شهروندان و آحاد جامعه و درنهایت موجب به خطر افتادن مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی (دولت)، می‌شود؛ بنابراین، یکی از زنجیره‌های مهم سیاست‌گذاری عمومی، تصمیم‌گیری است که پرداختن به آن از فعالیت‌های اساسی حوزه سیاست‌گذاری محسوب می‌شود (Dunn,1994:138). کانون تصمیم‌گیری، مبتنی بر شناخت و تعقل است (Lindbloem,1984: 423). تصمیم‌گیری فرایندی است که متضمن بصیرت، ادراک و شهود خلاق تصمیم‌گیران است (Doerty & Faltzgraf, 1993: 730). سیدنی وربا معتقد است، تصمیم‌گیری حکومت‌ها چنان است که گویی پیرو قواعد عقلانیت «وسیله - هدف» هستند و بدیلی را انتخاب می‌کنند که به بهترین وجه به تحصیل اهداف نهایی قادرشان سازد یا ارزش‌هایشان را پیش ببرد (Doerty & Faltzgraf, 1993: 728). هرگاه انتخاب‌ها آگاهانه نباشند، یا تحت شرایط اضطراری و محدودیت صورت‌پذیرند، کیفیت تصمیم‌گیری دچار کاهش خواهد شد. تصمیم‌گیری همچون سیاست‌گذاری دارای فرایندی است که عبارت‌اند از درک مسئله، تعیین هدف، ارائه راه‌حل‌های مختلف، انتخاب راه‌حل نهایی، اجرا و ارزیابی (Arnold,1986:395-423). بدیهی است رعایت یا عدم رعایت فرایند مذکور عواقب و نتایج مختلفی برای جوامع در بر خواهد داشت. مدل رضایت‌بخش، یکی از مدل‌های رهیافت تصمیم‌گیری است که هربرت سایمون و جیمز مارچ بر اساس آن تصمیم‌گیری را از جنبه رفتاری مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. آن‌ها بر جنبه‌های روانی، اجتماعی تصمیم‌گیری در سازمان تأکید ویژه‌ای داشته‌اند. بر اساس الگوی سایمون، کیفیت رضایت‌بخش، مهم‌ترین کیفیتی است که تصمیم‌گیرندگان به‌طور واقعی به آن دست می‌یابند. در واقع تصمیم‌گیرندگان به‌جای جستجوی راه‌حل‌های حداکثر و حداقل، بدیل‌هایی را انتخاب خواهند کرد که اهداف تصمیم‌گیرنده را در حد رضایت‌بخش محقق سازد. در این مدل رفتار انسان در جهت خردگرایی است ولی این عقلانیت، محدودیت خود را دارد (Alvani & Sharifzadeh, 1394: 36). این محدودیت ممکن است بر اثر گرفتار شدن تصمیم‌گیر در ذهنیت‌های ابتغایی یا فضیلت‌های حاکم بر نظام فکری (ارزشی)، ساختار باشد. ساختاری که وی، خود را جزئی از آن و تأمین‌کننده، حافظ و یا به پیش برنده آن می‌داند. همچنین، تصمیم‌گیر توانایی انتخاب بدیل‌ها و جایگزینی آلترناتیوها را ندارد و

به سبب عدم آشنایی با محیط و محدودیت‌های عقلی، سطح انتظارات وی کاهش می‌یابد. مدیر به جای جستجو و جایگزین کردن شقوق دیگر به همان شیوه قبلی بسنده می‌نماید؛ بنابراین به تلاش در جهت ابداع، روی آوردن به خلاقیت و نوآوری، نیاز شدیدی احساس نمی‌کند (Alvani & Sharifzadeh, 1394: 37). با وجود مزایای رهیافت تصمیم‌گیری و مدل رضایت‌بخش، نقدهایی نیز بر آن‌ها وارد است: اولاً؛ تصمیم‌گیران نمی‌توانند تصمیمات کلان را به‌تنهایی اتخاذ کنند. همچنین تصمیمات در خلأ گرفته نمی‌شوند. حتی اگر شخص تصمیم‌گیر دارای تمام اختیارات باشد و تمامی دستگاه‌ها و اجزای سیستم با وی هم‌داستان باشند. بالاخره کسانی یا سازمانی‌هایی در درون سیستم وجود دارند (مخالفان محدود یا گروه‌های ذی‌نفعان) که می‌توانند برکنش‌ها و رفتار او اثر بگذارند. دوما؛ اکثر تصمیمات شخص ممکن است بدون آینده‌پژوهی و آینده‌نگری گرفته شوند. شخص تصمیم‌گیر احتمالاً ممکن است دچار بلندپروازی شود و اقدام به اتخاذ اهداف مرکب بنماید. در این صورت، نیاز به شانس است که تصمیم به چه سرنوشتی دچار شود و چه نتایجی به بار آورد. سوماً؛ گاهی تصمیم‌گیر به دلیل جزمیت در اجرا و عدم امکان بازگشت از نتایج بازخورد، اصرار بر ادامه اهداف داشته باشد. چهارم؛ احتمال اینکه تصمیم‌گیر عجولانه رفتار کند وجود دارد. موارد بسیاری وجود دارد که تصمیم‌گیر به تصمیمات خرد و درنهایت به شکست تن داده است، به این دلیل که قدرت خلاقیت و نوآوری نداشته است. پنجم؛ تصمیم‌گیر گاهی در مقابله و مواجهه با مشکلات و بحران‌های سخت و بزرگ، مأیوس شده و نتوانسته تصمیمات آنی، مفید و کارساز ارائه کند. تصمیم‌گیر ممکن است از قواعد بازی شناخت کافی نداشته باشد، در این صورت، بازنده تلقی می‌شود. تصمیم‌گیر به علت نداشتن تبحر و تجربه، معمولاً راه آزمون‌وخطا را در پیش می‌گیرد.

۳-۱- رهیافت دولت رانتیر (ویژگی‌ها و پیامدها)

مهدوی از مفهوم دولت رانتیر برای اشاره به وضعیتی که وابستگی دولت به رانت‌های خارجی (رانت‌هایی که ارتباط ناچیزی با تلاش‌های تولیدی کل جامعه دارند) وجود دارد، استفاده کرده و اساس توجه خود را به دولت معطوف می‌سازد (Mahdavi, 1970:134). حازم ببلای تعریف مهدوی از دولت رانتیر را دقیق‌تر و کامل‌تر کرد و ضمن توجه بیشتر به جنبه اقتصادی آن، از مفهوم اقتصاد رانتیر برای اشاره به دولتی که با رانت‌های عاید شده از خارج حمایت مالی می‌شود، بهره برد (Hazem & Giacomo, 1987: 36-37). طبق نظر ببلای، هر دولتی که قسمت عمده‌ی (۴۲ درصد) درآمد خود را از منابع خارجی در قالب (سرمایه، کالا و خدمات) و به شکل رانت دریافت کند، دولت رانتیر نامیده می‌شود. از جمله پیامدهای دولت رانتیر می‌توان به؛ ابهام در تصمیم‌گیری در روابط بین‌الملل، تشدید روحیه رانت جویی، کاهش صادرات و افزایش شدید واردات، تضعیف (تخریب) سرمایه اجتماعی، اتخاذ اهداف غیرمتناسب با روش‌های توسعه، پیگیری برنامه‌های توسعه شتابان و آمرانه، عدم توجه به اهداف بلندمدت، ایجاد محدودیت مشارکت در قدرت سیاسی (انحصارگری در قدرت و اقتصاد)، سرکوب شدید آزادی‌ها، تضعیف جامعه مدنی، ایجاد احزاب وابسته، گردش ضعیف نخبگان، ممانعت از دستیابی به دموکراسی و ایجاد انتخابات صوری و نمایشی، فرار مغزها و سرمایه، به وجود آمدن اقتصاد تک‌محصولی، عدم گردش آزاد اطلاعات، از دست رفتن فرصت‌ها، زمان، امکانات و منابع، ظهور و تفوق وجوه نظامی‌گری در سیاست و اقتصاد، اشاره کرد.

۲- ساختار سیاسی ایدئولوژیک و سیاست‌گذاری

در ساختار سیاسی ایدئولوژیک، آرمان‌ها و فضایل ذهنی بر واقعیات عینی و مادی جامعه تقدم می‌یابد. در این ساختار، «انسان نسبت به محیط پیش‌داوری ناآگاهانه داشته و با جزمیت اعتقادی دست به انتخاب‌ها و تصمیمات کورکورانه می‌زند» (Seifzadeh, 2009: 45). بر همین اساس است که در سیاست‌گذاری‌های خود، کمتر با اتکا به مدل عقلایی تصمیم می‌گیرند و بیشتر به مدل رضایت‌بخش متوسل می‌شوند که «قادر به اتخاذ بهترین تصمیم در معنای اقتصادی آن نیستند». هرچند ممکن است در این مدل به واقعیتهای موجود نیز توجه شده باشد، اما محرک و هدایت‌کننده اصلی تصمیم‌گیران، برآورده کردن فضیلت‌های موردنیاز ساختار سیاسی حاکم است (Tamri, 2018: 20). سیاست‌گذاری توسعه اقتصادی در ایران علی‌الخصوص در دولت موردمطالعه، ترکیبی است از سیاست‌های ذهنی‌گرا که با آرمان‌گرایی و فضیلت‌گرایی همراه شده و به شدت بر عنصر عدالت تأکید می‌کند. علاوه بر آن دارای رویکردی ایدئولوژیک - امنیتی و منفعلانه است؛ زیرا در خلق فرصت‌های جدید ناتوان است و توانایی بهره‌برداری از فرصت‌های موجود و تجارب سایرین را ندارد (Gharib, 2011: 4). بر اساس این پیش‌فرض، دولت رانیر از یک سو فاقد قدرت انطباق‌پذیری با محیط پیرامون است، از سوی دیگر توان رویارویی و برون‌رفت از بحران‌ها را ندارد؛ زیرا در فرایند تصمیم‌گیری، الگوها و مدل‌های بکار گرفته‌شده، جنبه ایدئال‌تیبیک، دارند و بیشتر کاشفی از واقعیت هستند تا بیانی همه‌جانبه از آن در این ساختار به علت مشارکت ندادن احزاب سیاسی، وجود کیش شخصیت، همراهی تعداد کثیری از سازمان‌های رسمی و غیررسمی، ائتلاف با نظامیان، کسب رضایت اکثریت اقشار فرودست جامعه (توان بالا در بسیج توده‌ها) با به‌کارگیری رویه‌هایی نظیر سیاست‌های به‌شدت توزیعی با رویه‌های پوپولیستی، سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌ها به سرعت و بدون موانع جدی، اتخاذ و به اجرا گذاشته می‌شوند.

۴- عقلانیت و سیاست‌گذاری

پیچیدگی میان اجزای سیستم اجتماعی و روابط بنیادین فی‌مابین عوامل تشکیل‌دهنده درونی آن از یکسو و روابط مکانیکی (بعضاً ارگانیکی) موجود میان سیستم و عوامل تأثیرگذار محیط بیرونی از سوی دیگر، همچنین مدیریت و سامان‌دهی بین روابط مذکور، عقلانیت‌نخبگان را می‌طلبد. سیاست‌گذاری‌هایی که منطبق بر عقلانیت تدوین و اجرا می‌گردند، بستر ساز انطباق فعالانه جامعه با تحولات محیطی و فرآیندهای نوین جهانی می‌شوند، توانایی‌های جامعه را بازتولید می‌کنند و زمینه‌های پیشرفت مناسب و رشد چشم‌گیر شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را ایجاد و وضعیت زندگی فردی و اجتماعی آحاد جامعه را دچار تحول و بهبود اساسی می‌کنند و ضریب اطاعت رضایت‌مندانه اقشار مختلف از حاکمیت را در پی دارند. همچنین؛ مشروعیت نظام سیاسی را افزایش می‌بخشند (Gharib, 2011: 180). در سیاست‌گذاری عقلانی، از منابع و امکانات داخلی و محیط پیرامونی، نهایت استفاده و بهره‌برداری و بهره‌وری، صورت می‌پذیرد.

۵- منابع، امکانات و مزیت‌های استان خوزستان

استان خوزستان در جنوب غربی کشور ج.ا.ایران واقع است و بیش از ۶۴/۰۰۰ هزار کیلومتر مساحت و بالغ بر ۴/۷۰۰/۰۰۰ نفر جمعیت دارد و پنجمین استان پرجمعیت کشور به شمار می‌آید میدان‌ها (Strategic document, 2017). منابع و مخازن نفتی و گازی بزرگ کشور، در این استان قرار دارند. بزرگ‌ترین میدان نفتی، چنان سفره

عظیمی از دشت بستان تا شهر امیدیه، گسترده شده و دارای هشت متر ضخامت است میدان گازی دارخوین نیز به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین میدان‌ها گازی کشور با چهارصد تریلیون فوت مکعب گاز در این استان قرار دارد (Borna News Agency, 2017). اراضی وسیع کشاورزی و رودخانه‌های بزرگ و کوچک از دیگر مزیت‌های استان می‌باشند (Khuzestan Problem Studies, 2017). سطح اراضی زیر کشت باغی و زراعی نیز بالغ بر ۷۷۰۰۲۴ هکتار است که توسط ۲۰ سد بزرگ و کوچک، آبیاری می‌شوند. ۵ رودخانه بزرگ در این استان جاری است که بزرگ‌ترین رودخانه‌های کشور محسوب می‌شوند. ۱۷ کارخانه پتروشیمی، ۷ کارخانه تولید فولاد و نورد، ۸ کارخانه تولید شکر، ۳۴ کارخانه بهره‌برداری از نفت، ۱۲ کارخانه گاز و گاز مایع در این منطقه به فعالیت و تولید مشغول‌اند. جاذبه‌های گردشگری نظیر آثار تاریخی-مذهبی، اماکن بکر طبیعی و دیدنی مانند تالاب‌ها، دریاچه‌ها و پناهگاه‌های حیات وحش، از دیگر مزیت‌های استان محسوب می‌شوند (Khuzestan Problem Studies, 2017). همچنین، ۷۱ شهرک و واحد صنعتی، در سراسر استان پراکنده و مستقر می‌باشند. صنایع بزرگ تولید شکر و صنایع جانبی، کارخانه تولید کاغذ و صنایع جانبی، نخلستان‌های وسیع؛ شرکت‌های بزرگ تولید محصولات لبنی، محصولات پتروشیمی، سیمان، گچ و... از منابع و مزیت‌های این استان محسوب می‌شوند. نزدیکی به خلیج همیشه فارس و کشورهای عرب حاشیه‌نشین، دریای عمان، اقیانوس هند و قابلیت ترانزیت، صادرات و واردات کالا، خدمات و ورود مسافر، بافت جمعیتی نسبتاً جوان تحصیل‌کرده و نیروی کار ارزان و... از پتانسیل‌های بالقوه و بالفعل استان خوزستان به شمار می‌روند. مزیت‌های مذکور، استان خوزستان را به قطب اقتصادی و قلب تپنده ایران عزیز و اسلامی، تبدیل نموده است (Khuzestan Governor's Office website, 2011-2015). موقعیت ویژه جغرافیایی استان در تعامل با منطقه و جهان و ارتباط با آب‌های آزاد بین‌المللی به‌عنوان ترمینال جنوبی کریدور ارتباطی شمالی- جنوبی کشور در محور غرب برخوردار از امکانات بندری بسیار مناسب با ظرفیت بالا به‌ویژه در بندر امام خمینی (ره) که دارای کمترین فاصله با مراکز جمعیتی کشور نسبت به سایر بنادر جنوبی ایران است. همچنین برخوردار از شبکه سراسر راه‌آهن و فرودگاه‌های متعدد و زیر ساختارهای لازم و مناسب، برخوردار از منطقه ویژه اقتصادی، نظیر پتروشیمی سربندر و بندر امام (ره) منطقه آزاد اروند (آبادان- خرمشهر) و درنهایت، استقرار بازارچه‌های مرزی که همه ظرفیت‌ها، قابلیت‌ها و بستر مناسبی را برای رشد و توسعه‌ی استان در بخش‌های بازرگانی خارجی و حمل‌ونقل بین‌المللی، فراهم آورده است همگی از مزیت‌های این استان زرخیز کشور شناخته می‌شوند.

دولت نهم و دهم و فرصت‌های ازدست‌رفته

همان‌گونه که بیان شد، الگوی تحلیل عملکرد دولت موردمطالعه، بهره‌گیری از نظریه تصمیم‌گیری و مدل رضایت‌بخش است. بر اساس نظریه تصمیم‌گیری و مدل رضایت‌بخش در دولت‌های رانتیر بسیاری از فرصت‌ها از جمله فرصت‌های گران‌بهای حاصل از فروش مواد معدنی در این‌گونه دولت‌ها به‌راحتی و آسانی از دست می‌رود. مزیت‌ها، امکانات و منابع موجود در سپهر سرزمین ایران، علی‌الخصوص استان خوزستان به‌عنوان فرصت‌های طلایی شناخته می‌شوند که می‌توانستند جهت دستیابی به توسعه، مورد استفاده قرار بگیرند؛ اما دولت رانتیر از آن‌ها

غافل ماند و نتوانست استراتژی‌های لازم جهت بهره‌برداری از آن‌ها را اتخاذ و بکار گیرد. علاوه بر این مزیت‌ها، دولت رانتیر سه فرصت طلایی بی‌نظیر و بی‌سابقه را نیز از دست داد.

۱-۵- اولین فرصت که به‌عنوان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین فرصت فراروی دولت یادشده به شمار می‌رود، افزایش قیمت جهانی نفت بود. البته باید اذعان کرد که هرچند روند تدریجی افزایش نفت در دومین دولت اصلاحات رخ داد، اما هیچ دولتی به‌اندازه دولت نهم و دهم از این راه، درآمد کسب نکرد. جدول زیر، سیر تحول روند افزایش نفت و مقدار درآمد کسب‌شده دولت طی سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۸۴ را نشان می‌دهد.

جدول (۲) درآمدهای دولت رانتیر از راه فروش نفت

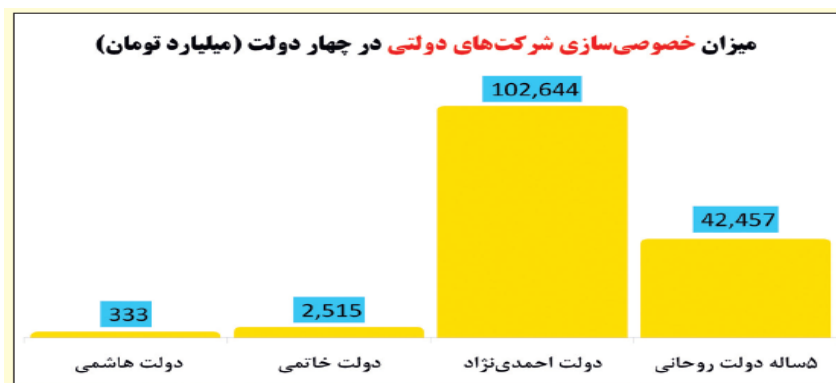
درآمد حاصل از صادرات نفت		
درآمد حاصل از صادرات نفت خام (میلیارد دلار)	قیمت نفت ایران (بشکه/دلار)	سال
53.82	51.94	1384
62.01	58.57	1385
81.6	76.48	1386
81.9	79.82	1387
62	69.01	1388
74	83.33	1389
113	107	1390
50	107	1391
578.33	جمع:	

Source: Central Bank

مطابق ارقام جدول فوق و بر اساس آمار رسمی بانک مرکزی و وزارت نفت، میزان درآمدهای حاصل از فروش نفت دولت رانتیر نهم و دهم بالغ بر ۵۷۸/۳۳ میلیارد دلار بود. این مقدار در تاریخ دولت‌های نفتی قبل و بعد از انقلاب اسلامی، بی‌نظیر و تقریباً معادل کل درآمدهای نفت از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۹۰ است.

۲-۵- دومین فرصت پیش‌آمده در دولت رانتیر، درآمدهای حاصل از واگذاری شرکت‌ها، بنگاه‌ها و مؤسسات دولتی است که بر اساس ابلاغ مقام رهبری مبنی بر اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی صورت گرفت. بر اساس قانون مذکور بسیاری از شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی واگذار شد. نمودار زیر نشان‌دهنده سهم دولت نهم و دهم در فرآیند خصوصی‌سازی است. همان‌گونه که نمودار نشان می‌دهد بیشترین حجم خصوصی‌سازی و واگذاری‌ها در دولت مذکور صورت گرفته است.

نمودار (۱): میزان خصوصی سازی در چهار دولت (هاشمی/خاتمی/احمدی نژاد/روحانی)



جدول زیر نیز نمایان گر درآمدهای حاصل از خصوصی سازی است (Privatization Organization, 2017).

جدول (۳) درآمدهای دولت رانتیر از راه خصوصی سازی

درآمد حاصل از خصوصی سازی شرکت های دولتی			
سال	متوسط قیمت دلار (تومان)	ارزش سهام فروخته شده (میلیارد تومان)	ارزش (دلار)
1384	904.2	76.4	0.08
1385	922.6	2539	2.8
1386	935.8	24994	26.7
1387	966.7	21494	22.2
1388	997.9	17902	17.9
1389	1044.2	14550	13.9
1390	1360	23265	17.1
1391	2590	18105	7.0
جمع:		122925.4	107.8

Source: Privatization Organization/Central Bank

در دوره مذکور، خصوصی سازی و واگذاری بنگاه های دولتی به شکل، رد دیون، سهام عدالت و عرضه در بازار بورس، صورت گرفت. به باور بسیاری از کارشناسان و اقتصاددانان، خصوصی سازی واقعی شکل نگرفت به این دلیل که بسیاری از شرکت های دولتی به تملک شرکت های شبه دولتی (خصوصی) درآمد. این مسئله، معضلات و مشکلات بسیاری برای کارفرمایان، کارمندان و کارگران شرکت های واگذار شده، ایجاد کرد. کاهش شدید در کیفیت و کمیت تولید، اخراج کارگران در قالب تعدیل نیرو، اختلاس و فساد و بی نظمی های مالی، تعطیلی، رکود، ورشکستگی و ... از نتایج و پیامدهای واگذاری های است (World of Economics, 2014).

۳-۵- سومین فرصت، درآمدهای حاصل از مالیات ستانی است که بعد از ۲۱ سال و برای اولین بار، قانون مالیات بر ارزش افزوده تولیدات، خدمات و ... توسط دولت نهم و دهم به اجرا درآمد. به گونه ای که درآمدهای مالیاتی بین

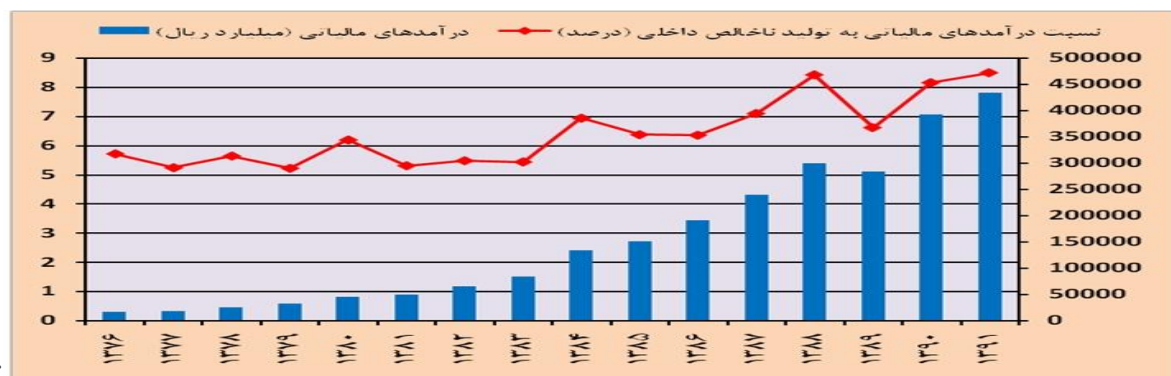
سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۸۴ رشدی بی‌سابقه یافت و به مقدار ۲/۶ برابر افزایش یافت. جدول زیر میزان درآمدهای حاصل از مالیات ستانی دولت رانتیر را نشان می‌دهد.

جدول (۴): درآمدهای دولت رانتیر از مالیات ستانی

درآمدهای مالیاتی دولت			
سال	متوسط قیمت دلار (تومان)	عملکرد مالیاتی دولت (میلیارد تومان)	ارزش (دلار)
1384	904.2	13457	14.9
1385	922.6	15162	16.4
1386	935.8	19182	20.5
1387	966.7	23974	24.8
1388	997.9	30004	30.1
1389	1044.2	21000	20.1
1390	1360	30600	22.5
1391	2590	35185	13.6
جمع:		188564	149.3

Source: Tax Affairs Organization/ Central Bank

نمودار (۲): نسبت درصد درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی



Source: Tax Affairs Organization/ Central Bank

بر اساس جدول (۴) و نمودار (۱)، دولت نهم و دهم، رقمی معادل ۱۸۸/۵ هزار میلیارد تومان درآمد از راه مالیات ستانی، کسب نموده است؛ اما با اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها، ارزش پول ملی در مقابل ارزهای خارجی به شدت کاهش یافت. این به خاطر عرضه و افزایش نقدینگی بود؛ اما افزایش درآمدهای مالیاتی در دوره مذکور به دلیل بی‌نظمی‌ها و بی‌انطباقی‌های مالی دولت، امکان افزایش سهم مالیات‌ها در تأمین بودجه دولت فراهم نشد. حال این سؤال در ذهن مخاطب متبادر می‌شود که با توجه به اینکه دولت رانتیر توان استخراج منابع از درون جامعه را ندارد، پس چگونه دولت نهم و دهم توانست این‌گونه، مالیات ستانی نماید؟ در پاسخ باید گفت: در حقیقت مالیات‌های اخذشده به معنای واقعی نیستند. چراکه دولت زمانی می‌تواند مالیات ستانی حقیقی بنماید که قادر باشد

از درون تمامی بنگاه‌ها، مؤسسات، ارگان‌ها و تمامی فعالیت‌های اقتصادی، مالیات اخذ نماید. مالیات بر ارزش افزوده در دوره مذکور تمامی بخش‌های جامعه را پوشش نداد و تقریباً تنها از شهروندان اخذ شد (Central Bank of Iran: Report, 2011). با کمی تأمل در حجم درآمدهای دولت رانتیر می‌توان به عمق اشتباه استراتژیک آن پی برد. مجموع کل درآمدهای دولت بالغ بر ۸۳۵/۳۴ میلیارد دلار می‌شود. چنین درآمد هنگفتی می‌توانست در تغییر ساختار صنایع، خرید صنایع و تکنولوژی نوین، تغییر شیوه تولید، سرمایه‌گذاری در امور زیربنایی، افزایش کالاهای سرمایه‌ای، بهبود و افزایش بهره‌وری و... هزینه شود و موجبات ارتقای کیفیت و کمیت تولید در صنایع داخلی را فراهم نماید؛ اما دولت یادشده با اتخاذ سیاست‌های به‌شدت توزیعی با رویکردی پوپولیستی و پیگیری اهداف بلند پروازانه و بدون آینده‌نگری، سبب تضييع فرصت‌های طلایی و بی‌نظیر شد. فرصت‌هایی که می‌توانست توسعه همه‌جانبه و پایدار را برای کشور به ارمغان آورد؛ اما دولت در این راه ناکام ماند. علاوه بر این سه فرصت می‌توان به فرصت‌های دیگر نظیر قرارداد صادرات گاز به کشور امارات متحده عربی موسوم به کرنست، قرارداد خط لوله صادرات گاز به کشورهای هند و پاکستان موسوم به خط لوله صلح، صادرات گاز به کشورهای اروپایی از طریق کشور ترکیه، قرارداد اکتشاف و بهره‌برداری از میدان‌ها مشترک گاز ایران و کشور قطر در خلیج فارس، قرارداد تکمیل فازهای ۴ و ۵ و ۶ پارس جنوبی با شرکت‌های چینی و غیره اشاره کرد. تمامی این قراردادها به علت ساختار ایدئولوژی حاکم و محذورات و مقذورات موجود در نظام ج.ا.ایران در دوره مذکور از جانب دولت نادیده گرفته شدند. بدیهی است عدم رعایت، تعهد یا پایبندی به مفاد آن‌ها از سوی ایران، موجب خروج، فسخ و یا ابطال آن‌ها را فراهم آورد. در این میان ایران، علاوه بر از دست دادن فرصت‌های بزرگ و بی‌نظیر، عملاً به سود طرف‌های قرارداد عمل نمود و متحمل غرامت‌ها و خسارات سنگینی شد. این موارد و ده‌ها مورد دیگر نتایج نگاه ایدئولوژیک در نظام تصمیم‌گیری دولت نهم و دهم بود.

۶- یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش به دو بخش تقسیم می‌شوند. بخش اول، شامل یافته‌های توضیحی-توصیفی است که از تحلیل متن مصاحبه‌های حضوری با مدیران ارشد بنگاه‌ها و مراکز صنعتی-تولیدی استان خوزستان استخراج شده است. بخش دوم شامل یافته‌ها و نتایج تجزیه و تفسیر متن پرسشنامه‌هایی است که بین افراد مذکور توزیع و پس از جمع‌آوری، به کمک نرم‌افزار آموس (Amos) تحلیل شده است.

۶-۱- یافته‌های پژوهش، بخش اول: (یافته‌های توضیحی-توصیفی)

* به‌جز شرکت شهرک‌های صنعتی، تمامی شرکت‌های بزرگ صنعتی واقع در استان خوزستان که هدف تحقیق قرار گرفتند، در دوره پیش از انقلاب احداث شده‌اند. لذا در هیچ‌یک از آن‌ها از بدو احداث تا پایان دوره حکمرانی دولت رانتیر مورد مطالعه، اقدامی جهت تجدید ساختار و جایگزینی تکنولوژی نوین با تکنولوژی فرسوده و قدیمی صورت نگرفته است. اگر هم اقدامی انجام گرفته بسیار ناچیز بوده و بر روند افزایش کمی و کیفی تولید و افزایش بهره‌وری هیچ‌گونه تأثیری نداشته است. لازم به ذکر است که علاوه بر واحدهای مذکور، شرکت‌های عظیمی مانند صنایع فولاد، نورد، لوله‌سازی و ده‌ها شرکت دیگر استان نیز در دوره قبل از انقلاب، احداث شده‌اند.

جدول (۹) تاریخ احداث شرکت‌های مورد مطالعه

نام بنگاه	شرکت کشت و صنعت هفت‌تپه	شرکت کشت و صنعت کارون	شرکت قند شوش - دزفول	شرکت شهرک‌های صنعتی خوزستان	شرکت شیر پگاه خوزستان	شرکت صنایع کاغذ پارس
سال احداث	۱۳۳۷	۱۳۵۲	۱۳۵۶	۱۳۷۰-۱۳۵۶	۱۳۵۶	۱۳۴۶

Source: research findings

* تعداد کل پرسنل شرکت‌ها در سال‌های منتهی به ۱۳۸۴ روندی ثابت و گاه با کمی افزایش و یا با درصد بسیار کمی کاهش روبرو بوده است. این وضعیت هیچ‌گونه خللی بر روند تولید به وجود نیاورده بود؛ اما در بعد از سال ۱۳۸۴ که مصادف با روی کار آمدن دولت رانتیر نهم بود، روند کاهش در پرسنل شرکت‌ها آغاز و تا اواخر دوره دولت دهم روند کاهش به بیش از ۵۰ درصد رسید. این امر نشان از تعطیلی بخش یا بخش‌هایی از پروسه تولید و یا توقف اجباری آن، در دوره مذکور است. وضعیت به‌گونه‌ای بود که تعداد قابل‌توجهی از پرسنل، از کار و تولید بازماندند.

جدول (۱۰) میزان تغییر در تعداد پرسنل شرکت‌های مورد مطالعه بازه زمانی (۱۳۹۲-۱۳۹۲)

نام شرکت	شرکت کارون	شرکت هفت‌تپه	شرکت کاغذ پارس	شرکت شیر پگاه خوزستان	شرکت قند شوش - دزفول	شرکت شهرک‌های صنعتی
تعداد کل پرسنل شاغل در قبل از سال ۱۳۸۴	۸۸۰۵ نفر	۱۲۵۰۰ نفر	۲۳۱۵ نفر	۴۰۰ نفر	۴۰۰ نفر	۶۲۸۴۰ نفر
تعداد کل پرسنل شاغل در بعد از سال ۱۳۹۲	۴۴۳۹ نفر	۳۶۴۵ نفر	۲۳۵ نفر	۲۳۰ نفر	۲۰۰ نفر	۳۷۸۱۱ نفر

Source: research findings

* با توجه به اهمیت بازار بورس در معرفی و ارتقاء بنگاه‌های تولیدی در کشور بالأخص در جذب سرمایه‌های داخلی، تمامی شرکت‌های مزبور، در بازه زمانی مذکور، هیچ‌گونه اقدامی در جهت واگذاری سهام خود در بازار بورس کشور، به عمل نیاورده‌اند.

* میزان تولید محصولات شرکت‌ها در قبل از سال ۱۳۸۴ تقریباً ثابت و با توجه به فصول سال در نوسان کاهش و یا افزایش غیر محسوس بود. این مسئله خللی در تولید ایجاد نمی‌کرد؛ اما در دوره بعد از سال ۱۳۸۴ روند تولید به شدت رو به کاهش گذاشت. علت این امر واردات بی‌رویه محصولات مشابه از خارج توسط دولت رانتیر بود. با توجه به حجم و وسعت شرکت‌ها به لحاظ تعداد پرسنل و مقدار هزینه‌ها، کاهش شدید در تولید باعث افزایش بدهی آن‌ها و عدم توانایی پاسخگویی به تأمین هزینه‌ها را فراهم آورد. روند نزولی تولید، شرکت‌ها را با مشکلات عدیده‌ای مواجه ساخت که بار سنگینی را بر دوش دولت نهاد. اکثر این شرکت‌ها بدون آنکه خود اعلام کنند، به‌نوعی دچار بدهی، ورشکستگی، رکود مزمن، تورم و... شده بودند. با توجه به مسائل فوق تمامی بنگاه‌های تولیدی بزرگ و مهم استان خوزستان دچار معضلات فراوانی شدند. این معضلات عبارت بودند از: بحران و مضیقه‌های

مالی، افزایش بدهی، کمبود نقدینگی، تورم، رکود در فروش محصول، بیکار شدن تعداد کثیری از پرسنل و در برخی موارد تعطیلی و یا ورشکستگی...؛ طی تحقیق مشخص شد میزان تولید و فروش محصولات آن‌ها به هیچ وجه کفاف و پاسخگوی مخارج و هزینه‌ها را نداشت. لازم به ذکر است اقدامی در جهت کمک به این بنگاه‌ها برای خروج از بحران‌های یادشده از سوی دولت، به عمل نیامد. علت این امر، اتخاذ سیاست جایگزینی واردات توسط دولت رانتیر مورد مطالعه است. واردات محصولات مشابه باعث تعطیلی بیش از پنجاه درصد از تولیدی‌ها، شرکت‌ها و بنگاه‌های مستقر در شهرک‌های صنعتی استان خوزستان شد.

* به جز شرکت‌های تابعه شهرک‌های صنعتی استان خوزستان، اکثر بنگاه‌های اقتصادی استان خوزستان در تملک بخش دولتی بودند که در قالب خصوصی‌سازی، به بخش خصوصی، شبه‌دولتی (خصوصی) واگذار شدند.

* در بازه زمانی مذکور اکثر شرکت‌ها زیر نظر سازمان گسترش و نوسازی صنایع کشور قرار گرفتند. بیشترین واگذاری‌ها (خصوصی‌سازی بر اساس اجرای اصل ۴۴) در دولت مورد مطالعه و در قالب رد دیون و فروش سهام، صورت گرفت.

* بر اساس یافته‌ها، مدیریت‌های جدید به دلیل نداشتن سوابق اجرایی، عدم آشنایی با ساختارها و نداشتن تخصص در مدیریت کلان در زمینه‌های گوناگون مربوط به بنگاه‌ها، بسیار بد ارزیابی شده است. سوء مدیریت، به دولت‌های بعدی نیز سرایت و موجب پدید آمدن اعتصابات و اعتراضات پرسنل شرکت‌ها در خوزستان شد. از جمله موارد یادشده می‌توان به مسائل و مشکلات شرکت نیشکر هفت‌تپه، صنایع فولاد، پتروشیمی ماهشهر و غیره. اشاره کرد. روند مزبور موجب افت شدید در تولید و پدید آمدن رکود، تورم، تعطیلی و افزایش شدید بیکاری شد.

* اقدام دولت در حذف یارانه‌ها در سال ۱۳۸۷ و افزایش بهای حامل‌های انرژی و در پی آن افزایش هزینه‌های جانبی، تأثیر بسیار مخرب و منفی بر روند تولید و میزان فروش محصولات شرکت‌های مورد مطالعه، از خود بر جای گذاشت به حدی که هیچ‌گونه تعادلی میان مخارج و درآمد آن‌ها وجود نداشت.

* طی مصاحبه با مدیران ارشد، این پرسش مطرح شد که بنگاه‌های تحت مدیریتشان، رقیب یا چالش گرانی در درون یا برون استان خوزستان دارند؟ پاسخ این گونه بود که با توجه به میزان تولید در کشور که کمتر از نیاز داخلی است، شرکت‌های دیگر را نمی‌توان رقیب دانست. هرچند که بسیاری از شرکت‌های مشابه در نقاط دیگر کشور به تولید کالای مشابه می‌پردازند؛ اما مشکل اصلی در جای دیگری نهفته است و آن‌هم چیزی نیست جز واردات بی‌رویه و احیاناً تعرفه‌های نامناسبی که توسط دولت بر محصولات تولیدی وضع می‌شود. این مسئله موجب ایجاد اختلال در روند تولید و حتی صادرات شده است. طبق اظهار مدیران ارشد، نیازی به رقابت وجود ندارد. تلاش باید در افزایش بهره‌وری در تولید و ارتقاء کیفیت از راه جایگزینی تکنولوژی‌ها و فناوری‌های نوین با تکنولوژی قدیمی و فرسوده صورت گیرد. همچنین؛ بایستی تلاش‌ها در راستای افزایش تولید و بهره‌وری با توجه به قدرت و ظرفیت‌های بالای شرکت‌ها در سطح کشور، بالأخص در سطح بنگاه‌های تولیدی استان خوزستان، جهت‌دهی شوند. هرچند بعد از سال ۱۳۹۲ و خصوصاً در سال ۱۳۹۵، مدیریت جدید در اکثر شرکت‌ها در جهت تنوع‌بخشی و افزایش کمی و کیفی محصولات خود، اقداماتی صورت داده‌اند؛ اما بخش خصوصی (شبه‌دولتی‌ها) برنامه‌های خود را در قالب فعالیت‌های غیر مبتکرانه دنبال کرده است؛ بنابراین تا حصول به نتایج نهایی و مورد قبول در سطح استانداردهای متعارف، راه‌درازی در پیش است.

* باگذشت بیش از یک دهه از پایان دولت نهم و دهم، هنوز مشکلات و نابسامانی‌ها در سطح بنگاه‌های تولیدی به قوت خود باقی است. هرچند دولت یازدهم و دوازدهم موفقیت‌هایی در تنظیم سیستم جدید بر محور شناسایی کانون‌های ایجاد و اخذ مالیات بر ارزش افزوده کسب نموده است؛ اما ساخت دولت کماکان رانتیر باقی مانده است. در دوره دولت نهم و دهم به علت اتخاذ رویکرد تقابل در صحنه روابط بین‌الملل، تحریم‌های شدیدی بر ایران تحمیل شد. تحریم‌ها علاوه بر ایجاد مانع بر سر راه تجدید ساختار شرکت‌های تولیدی موجب بازماندن آن‌ها از صحنه راه‌یابی به بازارهای جهانی و رقابت در صحنه اقتصاد بین‌الملل شد. در دولت آقای روحانی و باروی کار آمدن ترامپ و خروج یک‌جانبه آمریکا از تعهدات برجام، تحریم‌ها شدت گرفت و سیاست فشار حداکثری اعمال شد. تحریم‌ها و سیاست فشار، مجدداً عرصه را بر توسعه صنایع خوزستان تنگ کرد و عملاً مانع شکوفایی و توسعه آن‌ها شد.

* دولت رانتیر هنگام واگذاری شرکت‌ها به بخش خصوصی، می‌بایست با کارشناسان مجرب و مشارکت مدیران محلی و بومی مشورت و رایزنی می‌نمود و با تحقیقات گسترده همراه با نظارت و کنترل دقیق، جلوی بسیاری از نابسامانی و مشکلات فراروی شرکت‌ها را می‌گرفت و مانع از بروز بحران در آن‌ها می‌شد.

* در اکثر کشورهای در حال توسعه، دولت‌ها جهت ایجاد اشتغال، تهیه و تولید مواد اولیه، کالاها و محصولات مکمل صنایع داخلی به‌ویژه بنگاه‌های بزرگ داخلی و رونق چرخه تولید، اقدام به احداث شهرک‌های صنعتی در قالب شرکت‌های دانش‌بنیان و بنگاه‌های کوچک زودبازده، همچنین حمایت از صنایع کوچک می‌نمایند. با این ابتکار، ضمن دستیابی به خودکفایی در تولید مواد خام و اولیه، جهت مصارف صنایع داخلی، مانع از خروج ارز از کشور می‌شوند. در ایران نیز هرچند ایده احداث شهرک‌های صنعتی به دوره پیش از انقلاب بازمی‌گردد، اما در بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، روند شهرک‌سازی، در قالب تشکیل تعاونی‌ها اقداماتی وسیع و اساسی صورت گرفت. تجهیز و حمایت از بخش‌های دولتی و تعاونی، بخش خصوصی را تضعیف و در برخی موارد به حاشیه راند؛ اما بخش خصوصی به فعالیت خود ادامه داد و وارد چرخه سرمایه‌گذاری و تولید در شهرک‌های صنعتی و دیگر مناطق صنعتی کشور شد. با این وجود بخش یادشده هنوز هم قدرت رقابت با بخش دولتی را ندارد.

* با توجه به توقف فعالیت شهرک‌های صنعتی استان خوزستان بر اثر جنگ تحمیلی، فعالیت شهرک‌ها، در سال ۱۳۷۱ هجری شمسی با تأسیس و پایه‌گذاری شرکت شهرک‌های صنعتی استان خوزستان، بار دیگر آغاز شد. اهداف اولیه اصلی شرکت مذکور عبارت‌اند از: شهرک‌سازی، استقرار صنایع بزرگ و کوچک و جذب سرمایه‌گذاری بومی و غیربومی با اعطای برخی امتیازات ویژه، تسهیل در روند کسب‌وکار، ایجاد زمینه مناسب جهت رشد و توسعه و گسترش فناوری، انجام تحقیقات در زمینه افزایش بهره‌وری در زمینه استفاده از تولیدات صنایع مادر، نظیر صنایع تولید شکر، فولاد، آهن، پتروشیمی و... واقع در استان خوزستان.

* در حال حاضر تعداد ۷۱ شهرک و ناحیه صنعتی در استان خوزستان وجود دارد که در سراسر نقاط استان پراکنده‌اند. هر شهرک به‌طور متوسط شامل ۵۰ الی ۶۰ شرکت و بنگاه تولیدی است. اکثر شرکت‌ها متعلق به بخش تعاونی است. تولیدات شرکت‌های تابعه، بیشتر در زمینه صنایع فلزی، شیمیایی، مواد غذایی و دیگر کالاهای مکمل است که در برخی موارد با تولیدات دیگر شرکت‌ها در سایر مناطق کشور به رقابت بر خواسته‌اند. تولیدات یادشده، به‌طور متوسط علاوه بر پاسخگویی به نیازهای داخلی استان، در صورت حمایت دولت، توان تأمین بخشی از

نیازهای کشور را دارند. در برخی موارد حتی توان رقابت با تولیدات مشابه خارجی را دارا می‌باشند. هرچند برخی از محصولات تولیدشده در این‌گونه شهرک‌ها با توجه به کیفیت بالای خود، متأسفانه تاکنون موفق به اخذ برندهای خارجی نشده‌اند. علت این امر نیز به عدم توان بازاریابی تولیدات داخلی در بازارهای جهانی بازگشت دارد. این نیز به دلیل عدم توان تعامل هوشمندانه و سازنده با نظام نوین اقتصادی و ناکامی در ورود به نظام مذکور و فعالیت در تولید کالاهای مشارکتی در اقتصاد جهانی است. ذکر این نکته نیز لازم است که تولیدات این شرکت‌ها تحت کنترل سازمان نظارت بر کیفیت کالا است. این مسئله حاکی از مرغوبیت در ساخت کالاها و محصولات در مناطق یادشده دارد. لازم به ذکر است که با توجه به تعداد و وسعت شهرک‌ها و شرکت‌های تابعه در استان، همچنین با توجه به امکانات، ظرفیت‌ها و فرصت‌های موجود، تنها ۵ الی ۱۰ درصد از آن‌ها توانسته‌اند تحت لیسانس برندهای معتبر جهانی اقدام به تولید محصول یا محصولات باکیفیت جهانی بنمایند.

* تا پایان سال ۱۳۸۴ تعداد ۱۷۰۰ قرارداد منعقد شده جهت احداث شرکت و در حدود بیش از ۱۳۰۰ شرکت در حال توسعه فعالیت بوده‌اند؛ اما بعد از سال ۱۳۸۴ و تا پایان سال ۱۳۹۲ تنها حدود ۴۲۸ واحد توانستند به فعالیت خود ادامه دهند. این امر نشان‌دهنده افت شدید در روند فعالیت شرکت‌ها و کاهش شدید در روند تولید است. هرچند بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ آمار و ارقام دقیقی از اختصاص تسهیلات در قالب اعطای یارانه نقدی، پیش‌خرید محصولات، اعطای وام‌های بلندمدت و کم‌بهره جهت خرید تکنولوژی جدید و بسته‌های حمایتی از سوی دولت، در دسترس نیست، اما قرائن و شواهد نشان می‌دهد که موارد فوق توسط دولت، صورت نگرفته یا میزان حمایت و اعطای تسهیلات بسیار ناچیز بوده است. این مسئله باعث افت شدید تولید و در برخی موارد توقف اجباری و قابل‌ملاحظه در چرخه تولید در این شرکت‌ها گردید. به‌گونه‌ای که بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ بیش از ۵۰ درصد از شرکت‌های یادشده تعطیل و عملاً دچار توقف در تولید شدند. یکی از دلایل اصلی افزایش بیکاری در استان خوزستان در بازه زمانی (۱۳۸۴-۱۳۹۲) به همین مسئله ارتباط دارد.

* با توجه به اینکه تولیدات شرکت‌های شهرک‌های صنعتی به مواد اولیه و وارداتی از خارج وابسته‌اند، واکنش این شرکت‌ها به دنبال رکود ناشی از واردات بی‌رویه و به دنبال آن، اعمال تحریم‌های گسترده غرب علیه ج.ا. ایران بسیار منفی بود. به دلیل کمبود مواد اولیه، زیان‌های هنگفتی متحمل گردیدند. این مسئله، منجر به تعطیلی و در برخی موارد ورشکستگی برخی از این مراکز شد.

۲-۶- یافته‌های پژوهش، بخش دوم: (تجزیه، تحلیل و تفسیر پرسشنامه‌ها)

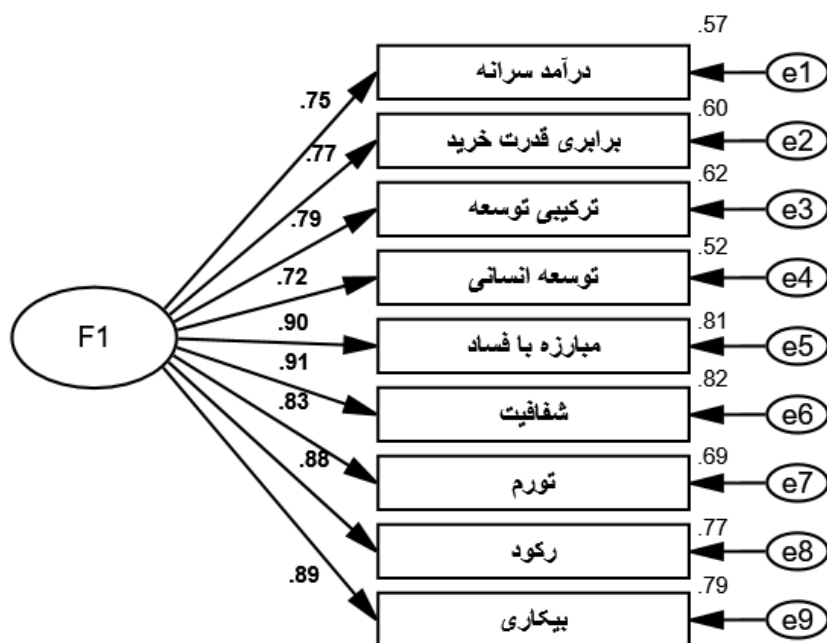
جهت تبیین عملکرد دولت رانتیر در زمینه توسعه اقتصادی در استان خوزستان، پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها، توسط نرم‌افزار آیموس تجزیه و تحلیل شدند و فرضیه‌ها بر اساس ارائه مدل، مورد آزمون قرار گرفته، رد یا مورد تأیید قرار گرفتند و نتایج نهایی حاصل گردید.

آزمون مدل و فرضیه

با استفاده از نرم‌افزار Amos به آزمون مدل‌ها بر اساس فرضیه‌های پژوهش پرداخته شد و اعتبار یا روایی شاخص‌ها با استفاده از شاخص‌های بار عاملی، مقدار t و میانگین واریانس استخراج‌شده پرداخته شد و پایایی با استفاده از

روش‌های پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ بررسی شد. بارهای عاملی از طریق محاسبه مقدار همبستگی شاخص‌های یک سازه با شاخص‌های آن، محاسبه می‌شوند که اگر مقدار بار عاملی برابر یا بیشتر از مقدار $0/40$ شود، نشان می‌دهد که واریانس بین سازه و شاخص‌های آن از واریانس خطای اندازه‌گیری آن سازه بیشتر بوده و اعتبار در مورد آن مدل اندازه‌گیری قابل قبول است. نکته مهم این است که اگر پژوهشگر بعد از محاسبه بارهای عاملی بین سازه و شاخص‌های آن با مقادیری کمتر از $0/40$ مواجه شد، باید آن شاخص را اصلاح نموده و یا از مدل پژوهش خود حذف کند (داوری و رضازاده، ۱۳۹۲: ۸۰). در این پژوهش حداقل مقدار بار عاملی، مقدار حداقل $0/40$ در نظر گرفته شد.

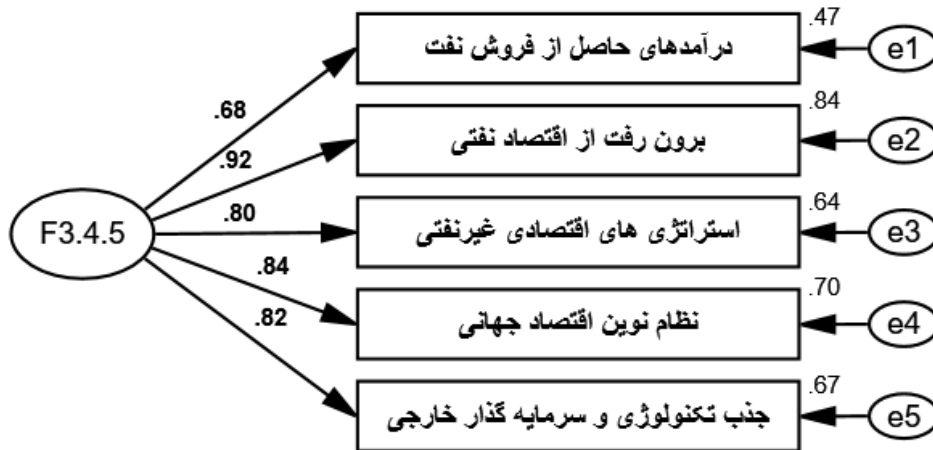
شکل ۴-۱ مدل مربوط به فرضیه اول، شکل ۴-۲ مدل مربوط به فرضیه دوم و شکل ۴-۳ مدل مربوط به فرضیه‌های سوم تا پنجم است. در جدول ۴-۱ مقادیر همبستگی یا بار عاملی، سطح معنی‌داری و شاخص‌های بررسی پایایی و اعتبار شامل میانگین واریانس استخراج‌شده، پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ آمده است.



شکل ۴-۱- مدل ساختاری فرضیه اول در حالت ضرایب استاندارد



شکل ۴-۲- مدل ساختاری فرضیه دوم در حالت ضرایب استاندارد



شکل ۴-۳- مدل ساختاری فرضیه سوم تا پنجم در حالت ضرایب استاندارد

شکل های ۱-۴ الی ۳-۴ مدل در حالت ضرایب استاندارد یا شدت تأثیر هستند. ضرایب بین صفرتا یک قرار دارند و ضرایب بزرگتر از ۰/۴۰ نشان از همبستگی بیشتر و مناسب تر شاخص ها دارد. در جدول ۱-۴ نتایج آزمون مدل ها آمده است.

جدول ۱-۴

نتایج آزمون مدل های ساختاری: بررسی همبستگی ها و روایی و پایایی

مدل ها	عامل	همبستگی (بار عاملی)	سطح معنی داری	میانگین واریانس استخراج شده	پایایی ترکیبی	آلفای کرونباخ
مدل اول	درآمد سرانه	۰/۷۵	<۰/۰۰۱	۰/۶۹	۰/۸۷	۰/۸۳
	برابری قدرت خرید	۰/۷۷	<۰/۰۰۱			
	ترکیبی توسعه	۰/۷۹	<۰/۰۰۱			
	توسعه انسانی	۰/۷۲	<۰/۰۰۱			
	مبارزه با فساد	۰/۹۰	<۰/۰۰۱			
	شفافیت	۰/۹۱	<۰/۰۰۱			
	تورم	۰/۸۳	<۰/۰۰۱			
	رکود	۰/۸۸	<۰/۰۰۱			
بیکاری	۰/۸۹	<۰/۰۰۱				
مدل دوم	عدم مدیریت مناسب در هزینه کرد درآمدها	۰/۷۰	<۰/۰۰۱	۰/۷۵	۰/۷۹	۰/۷۲
	وجود بی انضباطی های مالی گسترده	۰/۹۳	<۰/۰۰۱			
	نبود ساختار مناسب اقتصادی	۰/۹۴	<۰/۰۰۱			
مدل سوم	درآمدهای حاصل از فروش نفت	۰/۶۸	<۰/۰۰۱	۰/۶۷	۰/۸۳	۰/۸۲
	برون رفت از اقتصاد نفتی	۰/۹۲	<۰/۰۰۱			
	استراتژی های اقتصاد غیرنفتی	۰/۸۰	<۰/۰۰۱			
	نظام نوین اقتصاد جهانی	۰/۸۴	<۰/۰۰۱			
	جذب تکنولوژی و سرمایه گذاری خارجی	۰/۸۲	<۰/۰۰۱			

نتایج نشان داد با توجه به مقدار بارهای عاملی به دست آمده برای تمامی عامل‌ها که بیشتر از ۰/۴۰ است و در سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ ($p < 0.05$) قرار دارند (تمامی مقادیر t بزرگ‌تر از ۱/۹۶ شده است)، نتیجه می‌گیریم که اعتبار تمامی عامل‌های مربوط به سازه تأیید می‌شود. تمامی عامل‌ها یا شاخص‌ها، بار عاملی بیشتر از ۰/۴۰ دارند که معنی دار شده است ($p < 0.05$) و در نتیجه اعتبار تمامی عامل‌ها تأیید می‌شود.

مقادیر پایایی ترکیبی بیشتر از مقدار ۰/۷۰ به دست آمده است. مقدار پایایی ترکیبی برای مدل اول برابر با ۰/۸۷، برای مدل دوم برابر با ۰/۷۹ و برای مدل سوم برابر با ۰/۸۳ به دست آمده است که این مقادیر بالاتر از ۰/۷۰ و مقدار مناسبی است و نشان می‌دهد که پایایی مقیاس‌های مورد نظر تأیید می‌شود. همچنین مقادیر آلفای کرونباخ در هر سه مدل بالاتر از مقدار ۰/۷۰ است و نشان می‌دهد پایایی به روش آلفای کرونباخ نیز نشان از تأیید پایایی مدل‌ها دارد. میانگین واریانس استخراج شده که اعتبار همگرایی متغیرها را می‌سنجد برای مدل اول برابر با ۰/۶۹، برای مدل دوم برابر با ۰/۷۵ و برای مدل سوم برابر با ۰/۶۷ به دست آمده است که مقادیر به دست آمده، مقادیر مورد قبول و مناسبی است و بر این اساس می‌توانیم روایی همگرا را تأیید کنیم چون بالاتر از مقدار ۰/۵۰ به دست آمده است. در مجموع نتایج نشان از تأیید اعتبار و پایایی هر سه مدل دارد.

بر اساس نتایج به دست آمده از مدل‌های پژوهش، در این مرحله به آزمون فرضیه‌ها پرداخته‌ایم و روابط به دست آمده از مدل ساختاری در این بخش مورد بررسی و آزمون قرار گرفت.

فرضیه ۱: شاخص برابری قدرت خرید، شاخص ترکیبی توسعه، شاخص توسعه انسانی، شاخص تورم، شاخص بیکاری، شاخص رکود، شاخص درآمد سرانه، شاخص مبارزه با فساد و شاخص شفافیت.

نتایج به دست آمده از آزمون مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان داد که هر ۹ شاخص ارائه شده در فرضیه (۱)، دارای تأثیر معنی دار هستند و نقش آن‌ها مورد تأیید قرار گرفت ($p < 0.05$). سطح معنی داری مربوط به همبستگی شاخص‌ها با ساز کلی کمتر از ۰/۰۵ بوده است و شدت همبستگی در تمامی موارد بالاتر از مقدار ۰/۶۰ بوده است که نشان از ارتباط قوی بین شاخص‌ها با سازه اصلی دارد. بررسی ضرایب همبستگی که نشان از شدت ارتباط بین متغیرها دارد نشان داد که قوی‌ترین همبستگی و بالاترین تأثیر مربوط است به شاخص شفافیت با ضریب تأثیر ۰/۹۱ و بعد از آن به ترتیب مربوط است به شاخص مبارزه با فساد با ضریب ۰/۹۰، بیکاری با ضریب ۰/۸۹ و رکود با ضریب ۰/۸۸. همچنین کمترین شدت همبستگی در بین شاخص‌ها مربوط است توسعه انسانی با ضریب ۰/۷۲ و درآمد سرانه با ضریب ۰/۷۵. در انتها می‌توان از آزمون مدل‌سازی معادلات ساختاری نتیجه گرفت که تمامی ۹ شاخص مؤثر هستند و تأثیر آن‌ها تأیید می‌شود و بیشترین تأثیر در بین شاخص‌ها مربوط است به شفافیت، مبارزه با فساد و بیکاری.

فرضیه ۲: عدم مدیریت مناسب در هزینه کرد درآمدها، نبود ساختار مناسب اقتصادی و وجود بی‌انضباطی‌های مالی گسترده.

نتایج به دست آمده از آزمون مدل مربوط به فرضیه دوم با تکنیک مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان داد که تأثیر هر سه عامل مورد بررسی از نظر آماری تأیید شده است ($p < 0.05$). سطح معنی داری در تمامی موارد کمتر از مقدار مفروض به دست آمده است و بدین معناست که تأثیر هر سه عامل بررسی شده تأیید می‌شود ($p < 0.05$). بررسی

شدت ارتباط و تأثیر این سه عامل نشان می‌دهد که بیشترین تأثیر مربوط است به نبود ساختار مناسب اقتصادی با ضریب ۰/۹۴ و بعد از آن مربوط است به وجود بی‌انضباطی‌های مالی گسترده با ضریب ۰/۹۳. همچنین کمترین تأثیر در بین این سه مؤلفه مربوط است به عدم مدیریت مناسب در هزینه کرد درآمدها با ضریب ۰/۷۰.

فرضیه ۳: عدم اتخاذ اهداف متناسب با روش‌های برون‌رفت از اقتصاد نفتی، نوع هزینه کرد درآمدهای حاصل از فروش نفت.

فرضیه ۴: اتخاذ استراتژی‌ها و سناریوهای اقتصادی غیرنفتی

فرضیه ۵: تعامل هوشمندانه و فعالانه با نظام نوین اقتصاد جهانی، جذب تکنولوژی و سرمایه‌گذاری خارجی.

فرضیه ۳ الی ۵ در قالب یک آزمون بررسی شد. با توجه به این‌که آزمون مدل‌سازی نیازمند حداقل ۳ شاخص است، شاخص‌های مربوط به فرضیه ۳ الی ۵ در این بخش بررسی شد. بررسی مدل مربوطه نشان داد که نقش هر پنج شاخص مورد تأیید قرار گرفته است ($p < 0/05$). بررسی‌ها نشان می‌دهد که تأثیر تمامی شاخص‌ها نیز مقدار مناسب و مورد قبولی است. مقایسه شدت تأثیر شاخص‌ها نشان می‌دهد که بیشترین تأثیر مربوط است به شاخص برون‌رفت از اقتصاد نفتی که ضریب تأثیر به دست آمده برابر با ۰/۹۲ است. در رتبه دوم شاخص نظام نوین اقتصاد جهانی با ضریب ۰/۸۴، جذب تکنولوژی و سرمایه‌گذاری خارجی با ضریب ۰/۸۲ و استراتژی‌های اقتصادی غیرنفتی با ضریب ۰/۸۰ قرار دارد. کمترین تأثیر در بین ۵ شاخص بررسی شده مربوط به درآمدهای حاصل از فروش نفت با ضریب ۰/۶۸ است.

نتیجه‌گیری

در دولت‌های رانتیر، ساختار سیاست‌گذاری از نوع آرمان‌گرا و فضیلت محور است و ذهنیت ابتغایی بر واقعیات مادی تقدم می‌یابد. بر همین اساس سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های کلان، غیرعقلانی است و با واقعیات روز، همخوانی ندارد. متناسب با رهیافت نظری تحقیق، فرایندهای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری‌های عقلانی که عمدتاً واقعیت محورند جای خود را به مدل رضایت‌بخش داده‌اند. به همین دلیل، ساخت دولت در عصر ج.ا.ایران، رانتیر باقی ماند و سیاست‌های توزیعی و انبساطی ادامه یافته است. در دولت‌های رانتیر، نخبگان سیاست‌گذار و تصمیم گیر قادر به اتخاذ بهترین تصمیم به معنای اقتصادی آن نیستند. در چهارچوب همین سیاست‌گذاری‌ها است که در دولت رانتیر، استخراج منابع از درون جامعه، مورد نظر نبوده و بیشتر بر فروش منابع زیرزمینی (نفت) اکتفا شده است. دولت نهم و دهم با وجود در اختیار داشتن فرصت‌های کم‌نظیر نتوانست کارنامه ارزشمندی در زمینه توسعه اقتصادی از خود ارائه دهد. با نگاهی به شاخص‌های توسعه در منطقه خوزستان، می‌توان به عمق اشتباهات استراتژیک دولت یادشده پی برد. این تحقیق به شیوه میدانی انجام گرفت و فرضیه‌هایی مطرح و مورد آزمون قرار گرفتند. با استفاده از نرم‌افزار Amos به آزمون مدل‌ها بر اساس فرضیه‌های پژوهش پرداخته شد و اعتبار یا روایی شاخص‌ها با استفاده از شاخص‌های بار عاملی، مقدار t و میانگین واریانس استخراج شده پرداخته شد و پایایی با استفاده از روش‌های پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ بررسی شد. نتایج آزمون فرضیه‌ها با شرح مختصر چنین به دست آمد. فرضیه اول: قوی‌ترین همبستگی و بالاترین تأثیر مربوط است به شاخص شفافیت با ضریب تأثیر ۰/۹۱ و

بعدازآن به ترتیب مربوط است به شاخص مبارزه با فساد با ضریب ۰/۹۰، بیکاری با ضریب ۰/۸۹ و رکود با ضریب ۰/۸۸. همچنین کمترین شدت همبستگی در بین شاخص‌ها مربوط است توسعه انسانی با ضریب ۰/۷۲ و درآمد سرانه با ضریب ۰/۷۵. در انتها می‌توان از آزمون مدل‌سازی معادلات ساختاری نتیجه گرفت که تمامی ۹ شاخص مؤثر هستند و تأثیر آن‌ها تأیید می‌شود و بیشترین تأثیر در بین شاخص‌ها مربوط است به شفافیت، مبارزه با فساد و بیکاری. فرضیه دوم: نتایج به‌دست‌آمده از آزمون مدل مربوط به فرضیه دوم با تکنیک مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان داد که تأثیر هر سه عامل مورد بررسی از نظر آماری تأیید شده است ($p < 0/05$). سطح معنی‌داری در تمامی موارد کمتر از مقدار مفروض به‌دست‌آمده است و بدین معناست که تأثیر هر سه عامل بررسی‌شده تأیید می‌شود ($p < 0/05$). بررسی شدت ارتباط و تأثیر این سه عامل نشان می‌دهد که بیشترین تأثیر مربوط است به نبود ساختار مناسب اقتصادی با ضریب ۰/۹۴ و بعدازآن مربوط است به وجود بی‌انضباطی‌های مالی گسترده با ضریب ۰/۹۳. همچنین کمترین تأثیر در بین این سه مؤلفه مربوط است به عدم مدیریت مناسب در هزینه کرد درآمدها با ضریب ۰/۷۰. فرضیه ۳ الی ۵ در قالب یک آزمون بررسی شد. با توجه به این‌که آزمون مدل‌سازی نیازمند حداقل ۳ شاخص است، شاخص‌های مربوط به فرضیه ۳ الی ۵ در این بخش بررسی شد. بررسی مدل مربوطه نشان داد که نقش هر پنج شاخص مورد تأیید قرار گرفته است ($p < 0/05$). بررسی‌ها نشان می‌دهد که تأثیر تمامی شاخص‌ها نیز مقدار مناسب و مورد قبولی است. مقایسه شدت تأثیر شاخص‌ها نشان می‌دهد که بیشترین تأثیر مربوط است به شاخص برون‌رفت از اقتصاد نفتی که ضریب تأثیر به‌دست‌آمده برابر با ۰/۹۲ است. در رتبه دوم شاخص نظام نوین اقتصاد جهانی با ضریب ۰/۸۴، جذب تکنولوژی و سرمایه‌گذاری خارجی با ضریب ۰/۸۲ و استراتژی‌های اقتصادی غیرنفتی با ضریب ۰/۸۰ قرار دارد. کمترین تأثیر در بین ۵ شاخص بررسی‌شده مربوط به درآمدهای حاصل از فروش نفت با ضریب ۰/۶۸ است.

کتابنامه

- Allison, G.T. (1971). *Essence of Decision*. Boston: Brown.
- Alvani, S.M., & Sharifzade, F. (2015). *Public Policy Making Process*. Tehran: Allameh Tabatabai University Press. [In Persian].
- Arnold, H. (1986). *Organization Behavior*. Mc Graw-Hill.
- Castells, E. (2001). *The Age of Information*. (Ahmad Alinghian & Afshin Khakbaz, Trans.). Tehran: New Plan Publications. [In Persian].
- Danesh Fard, K. (2016). *Public Policy Making Process*. Tehran: Saffar Publications. [In Persian].
- Doerty, J., & Faltzgraf, R. (1993). *Conflicting Theories in International Relations*, Tehran: Qomes Publications. [In Persian].
- Dunn, w. (1994). *Public Policy Analysis*. Prentice Hall.
- Environment Organization (2016). Report, extraction date 16/5/1398. [In Persian].
- Gharib, H. (2011). *A Study of the Functions of Reason in Public Policy of the Islamic Republic of Iran*. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies. [In Persian].
- Gholipour, R., & Gholampour Ahangar, E. (2010). *The Public Policy Process in Iran*. Tehran: Research Center of the Islamic Consultative Assembly. [In Persian].
- Hazem B., & Giacomo, L. (1986). *The Arab State*. New York: Croom Helm
- Koontz, H., & Weihrich, H. (2005). *Management: A Global Perspective*. New York: McGraw-Hill.
- Lindbloem, C.E. (1984). *Policy Making Process*. N.P.: Prentice-Hall.
- Mahdavi, H. (1970). *The Patterns & Problems of Economic Development in Rentier States: The Case of Iran in the Economic History of Middle East*. Oxford: Oxford press.
- Richards, M., & Geenlaw, P. (1982). *Management-Decision and Behavior*. Irwin.

15. Seifzadeh, H. (2009). *Modernity and New Theories in Political Science*. Tehran: Mizan Publishing.[In Persian].
16. Tamri, Gh. (2018). Analysis of the causes of Iran's failure in the success of gas exports. *Quarterly Journal of International Relations Research*, 8(4), 196-172. [In Persian].